

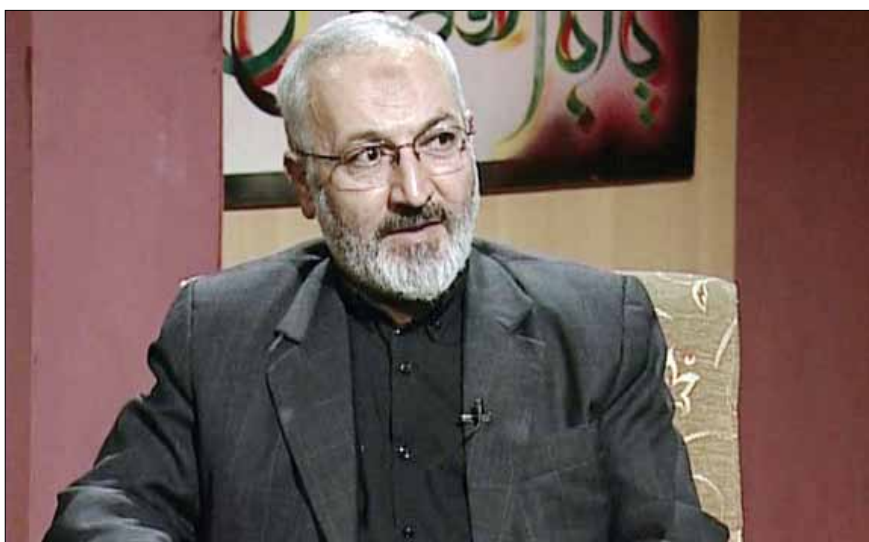


# بارین پوشتل کورخون قاسم | بارین پوشتل انورین | بارین پوشتل انورین

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر اسماعیل منصورى لاریجانی درباره ابعاد عرفانی زیارت اربعین

## سیر به حقیقت ولایت

امسال باید به سفر باطنی برویم، حقیقت ولایت در مکانی بیرون از ما نیست، گوهری در درون ماست که باید با یک سیر معنوی به آن دست یافت



اراده و عمل‌شان را در اختیار شیاطین قرار دادند. کسی که زیارت وارث را با توجه بخواند، گویی در باطن، مخاطب این خطبه امام حسین(ع) است و ایشان را تصدیق می‌کند و همین مراد قلبی باعث تابش انوار امام حسین(ع) به قلبش می‌شود.

اما در باب سوره والفجر؛ روایتی است که وقتی امام حسین(ع) در گودال قتلگاه به شهادت رسید، ناگهان سروشی در عالم پیچید که همه اجزای هستی همنوا با هم این آیه را می‌خواندند: یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی فی جنتی. این آهنگ موزون در کربلا پیچید و این یعنی خداوند تمام موجودات هستی را به استقبال امام حسین(ع) فرستاد. هر کس سوره فجر را هر روز بخواند، جزو کسانی به شمار می‌رود که به استقبال امام حسین(ع) شتافته است در لحظه سیدالشهدا.

امام صادق(ع) در فضیلت قرائت سوره والفجر می‌فرمایند: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود قرائت کنید، زیرا این سوره، سوره امام حسین(ع) است. هر کس این سوره را قرائت نماید در روز قیامت در جنة امام حسین(ع) و همراه ایشان خواهد بود. (نواب الاعمال ص ۱۱۳). این دو، یعنی قرائت زیارت وارث و سوره والفجر، ۲ بای می‌شود که باعث می‌شود اربعین را نه تنها در ظاهر، بلکه در باطن و دل نیز بباییم.

روى آنها می‌گذارد و پیرو خود را از مسیر ویژه‌ای به سمت خدا رهنمون می‌کند. می‌خواهم بدانم در مسیری که امام حسین(ع) به سمت خدا گشوده و از آن مسیر، مریدان خود را به سمت خداوند متعال راهنمایی و راهبری می‌کنند، کدام عناصر و ویژگی‌ها بیش از بقیه پررنگ است؟

پاسخ سئوال شما چند بخش دارد؛ بلکه در همه ادیان شخصیتی شاخص وجود دارد که قرآن هم می‌فرماید روز قیامت، روزی است که یوم ندعو کل اناس بامامهم. تمام گروه‌ها، نسله‌ها و انسان‌ها را به امام‌شان فرامی‌خوانند. یعنی پیروان هر مکتبی با شخصیت شاخص آن مکتب، ارزیابی می‌شوند و این مختص اسلام نیست. حتی مخصوص ادیان آسمانی نیست، بلکه مکاتب غیردینی را هم شامل می‌شود. پیروان این مکاتب باید هم در دنیا با آن شخص و شخصیت و هم در آخرت با او باشند.

ما در عرفان اسلامی می‌گوییم انسان کامل، ترازو است. همیشه باید خود را با این ترازو سنجید. داستانی در مثنوی معنوی وجود دارد که شخصی نزد پیرش می‌رود و می‌گوید هلال ماه شوال را دیدم و باید روزهمان را افطار کنیم. پیر گفت ابتدا دستت را تر کن و به ابروها و چشم‌هایت بمال، بعد دوباره برو هلال ماه را نگاه کن. شخص این کار را می‌کند و می‌بیند گوشه‌ای از ابرویش روی چشمش را گرفته بود، دور را که نگاه می‌کرده فکر می‌کرده هلال ماه را دیده است. امام یعنی شاخص و ترازو، شاخصی که دید ما و عمل ما را تصحیح می‌کند. باید دید خود و عمل خود را با این ترازو بسنجیم و این ترازو است که انحراف را نمایان می‌کند. با این توضیحاتی که داده شد، حال به اینجا می‌رسیم که امام حسین(ع)، ترازو و شاخص مکتب ما است. ندای هل من ناصر ینصرنی امام، دعوت به همین مکتبی بوده است که شاخصش امام حسین(ع) است. ندایی که ۷۲ تن به آن پیوستند. آن چیزی که در کف این ترازو به انسان وزن می‌دهد، اخلاص است. قله این اخلاص در بین اصحاب سیدالشهدا، قمر بنی‌هاشم است.

راه رسیدن به اخلاص چیست؟ چگونه می‌شود به اخلاص دست یافت؟ آن چیزی که عیار اخلاص است، توحید است. شما می‌دانید به سوره توحید، سوره اخلاص هم گفته می‌شود. رمز دست یافتن به اخلاص، توحید است. هر چقدر انسان توحش به توحید بیشتر شود، هر چه بیشتر نیات باطنی و اعمال ظاهری‌اش را در جهت توحید قرار بدهد، بیشتر خالص می‌شود. آن حدیث پیامبر در اخلاص را شنیده‌اید

یاد تو سخن می‌گویم/ بعد منزل نبود در سفر روحانی. ببینید! باطن حقیقی ولایت، ساحت روحانیت ولایت، نه زمان دارد نه مکان. در زیارت جامعه می‌خوانیم: ارواحکم فی الارواح اجسادکم فی الاجساد؛ روح شما در ارواح است و اجساد شما در اجساد. این یعنی ولایت در درون همه هستی و درون همه ما جاری و ساری است. باطن ولایت، مکانی نیست که باید به آن سفر ظاهری کنید، بلکه گوهری است که برای دست یافتن و ادراک آن باید به سفر روحانی و باطنی بپردازید. ما امسال باید پیاده‌روی اربعین را در درون خود بباییم، خود را بکاویم، به کربلای باطن و قلبمان سفر کنیم. اتفاقاً این سفر سخت‌تر است. ما اگر سیر درونی کنیم و منازل را یک به یک در باطن و درون خود طی کنیم، غنایات امام حسین(ع) به قلبمان سرازیر می‌شود، امام حسین(ع) قدم در باطن ما می‌گذارد، ساحت باطن ما، قدمگاه امام حسین(ع) می‌شود و این سرمنشأ جوشش خیرات و برکات خواهد شد.

قرآن هم دعوت می‌کند به سیر آفاقی و هم به سیر انفسی. قرآن دعوت می‌کند که سیر در آفاق را با سیر در انفس هماهنگ کنید. همان‌طور که در مظاهر جمال و جلال خدا در بیرون از خود گردش می‌کنید، در درون هم به سیر بپردازید. چرا ما به این مسأله توجه نکرده‌ایم که باید در کنار سیر آفاقی، سیر انفسی هم داشته باشیم؟ اگر این سیر را داشته باشیم، خود امام حسین(ع) به باطن ما با تجلی خاصی تشریف می‌آورند و شراب عشق را در کام ما می‌ریزند. اهل بیت(ع) نگفته‌اند که بیایید و به ما برسید، گفته‌اند ما اول شمایم و آخر شمایم. ما در همه ساعات و لحظات شما جاری هستیم، در اعماق وجود شما جاری هستیم ولی این را باید بباییم و ادراک کنیم. اگر درون‌ها پاک شود، جامعه پاک می‌شود. اگر درون من اخلاص و تقوا نباشد، آب گل آلود است؛ این آب گل آلود همه چیز را گل آلود می‌کند. اگر ما واقعا به چشمه ولایت دسترسی پیدا کرده‌ایم پس چرا اینقدر تشنه‌ایم؟ چرا اینقدر پلیدی وجود دارد؟

چون ز چشمه آمدی چوئی تو خشک/ ورت نواف اهوئی کو بوی مشک. اگر چشمه تقوا در وجود کسی جاری شود، چنان سبزه‌ها و طراوت‌هایی از وجودش می‌روید و می‌تراود که هر کس در کنار آن بنشیند از این همنشینی لذت می‌برد. کسی که در درون خود و با سیر باطنی خود به حقیقت ولایت نرسد، به هیچ حقیقتی نمی‌رسد.

جناب دکتر! در همه ادیان و مکاتب جهان، شخص شاخص آن دین یا مکتب، یک یا چند عنصر و ویژگی خاص روحی را در پیروان خود پررنگ‌تر می‌کند، دست

نام دکتر اسماعیل منصورى لاریجانی در ذهن همه ما به گفت‌وگوهای گرم ایشان با حکیم معاصر دکتر ابراهیمی دینانی گره خورده است. گفت‌وگویی که در این سال‌ها مخاطب‌های پر و پا قرصی در بین مشتاقان معرفت پیدا کرده است. دکتر منصورى لاریجانی که هم سابقه حضور در جبهه‌های ۸ سال دفاع مقدس را دارد، هم افتخار شاکردی علامه حسن‌زاده‌املی را هم اکنون مدیر گروه عرفان دانشگاه اهل‌البیت(ع) است و اوقات خود را به تدریس و تالیف در حوزه عرفان اسلامی سپری می‌کند. درباره ابعاد معرفتی زیارت اربعین با دکتر منصورى لاریجانی گفت‌وگویی کوتاه انجام دادیم.

■ ابتدا از وقتی که با وجود همه مشغله‌ها به ما اختصاص دادید، تشکر می‌کنم. همان‌طور که مستحضرمیدامسال به علت شرایط ویژه‌ای که در پی شیوع ویروس کرونا پیش آمد، شرکت در آیین پیاده‌روی اربعین برای ایرانی‌ها و سایر زوار غیرعراقی ممنوع شد. این مسأله خیلی از ارادتمندان امام حسین(ع) را ناراحت کرده است. به رغم همه جنبه‌های ناراحت‌کننده آن، شاید این اتفاق فرصت تعمق بیشتر در ابعاد معرفتی اربعین و حادثه کربلا را فراهم کند. کمی بیشتر برای ما از جنبه‌های معرفتی و باطنی پیاده‌روی اربعین بفرمایید.

دقت بفرمایید فرزندان امام حسین(ع) و اصحاب امام حسین(ع) همگی در روز عاشورا دعوت می‌کردند به باطن ولایت. شمار جزها و شعرا را ببینید. دعوت به این است که امام حسین(ع) همین شخص ظاهری نیست. ولایت یک باطنی دارد، یک عمقی دارد. درک باطن ولایت که سرمنشأ همه ترقی‌های روحی و معنوی است، نیاز به یک سیر باطنی دارد. گوهر ولایت، نه در بیرون، بلکه در درون، نه در ظاهر، بلکه در باطن انسان قابل دستیابی است. ولایت ولی خدا، رمز عاشقی است؛ هر که از عشق خلعت داده‌اند، باهه از جام ولایت داده‌اند. آنچه دست انسان ضعیف را می‌گیرد و او را به معراج ملکوت می‌برد، ولایت است. ولایت ولی خدا، این رمز عاشورا است. دستیابی به باطن و حقیقت ولایت هم با سیر آفاقی و سفر ظاهری ممکن نیست. سفر باطنی می‌خواهد، سیر درونی می‌خواهد. امسال وقت آن است که به سفر باطنی برویم، سیر باطنی داشته باشیم و در این پیاده‌روی باطنی و سیر باطنی در درون، به باطن ولایت برسیم. اگر چه هر سال و هر لحظه باید مسافر این سفر روحانی بود اما امسال بیش از پیش این فضا فراهم و لازم شده به این سفر روحانی توجه کنیم. شما دیدید که رهبری اخیراً در دیداری که داشتند این شعر را خواندند: گر چه دوریم به

### سفر اربعین؛ چشیدن طعم دینداری

و مسادرم برای اربعین روایت بلینت هواپیما بگیرم. به صورت اتفاقی با همسر یکی از همکاران رسانه‌ای صحبت می‌کردم که ایشان گفت با شوهر و فرزندان و همکاران شوهرشان عازم کربلاست، تاکید هم کرد که تنها خانم جمع است و از من دعوت کرد همراهشان باشم. زمان سفرشان هم طوری بود که مناسب برنامه‌های کاری من بود. سریعاً قبول کردم و همه کارها به سرعت جور شد و راهی کربلا شدیم. من در این سفر به چشم فداکاری یک مادر را می‌دیدم. یک زن صبور، با ۳ فرزند، فرزندانی در آغوش، دیگری در کالسکه و دیگری هم دستش در دست مادر. این مادر چقدر زحمت می‌کشید؛ یک خانه کوچک در کربلا، محل استقرار ما بود، شاید من روزی چند بار می‌توانستم زیارت بروم ولی این مادر نمی‌توانست. باید

مدام بار بار بچه‌ها می‌رسید، از آنان مواظبت می‌کرد، شرایط را برای همسر و دیگران مهیا می‌کرد، من از این همه زحمت و صبوری تعجب کرده بودم. این مادر می‌گفت من همه سختی‌ها را تحمل می‌کنم تا فرزندانم فقط بودن در این فضا را تجربه کنند، در این فضا تنفس کنند. مادری که دغدغه تربیت دینی فرزندان را



اگرچه خانم فضا سادات حسینی را به عنوان یک چهره رسانه‌ای می‌شناسند اما خانم حسینی دکترای حقوق با گرایش حقوق زنان در اسلام دارد و در کنار فعالیت‌های رسانه‌ای، تدریس در دانشگاه را هم در برنامه کاری خود دارد. دکتر فضا سادات حسینی در گفت‌وگو با «وطن امروز»، اربعین را یکی از بهترین فرصت‌های تربیت دینی فرزندان و تعمیق روابط زوجین توصیف کرد. متن این گفت‌وگو که به صورت یادداشت تنظیم شده، در ادامه می‌آید.

■ سفر اول که رفتم نمک‌گیر شدم اولین باری که قسمت شد سفر اربعین بروم، سال ۹۵ بود. قبل از آن جرأت سفر اربعین را نداشتم، فکر می‌کردم با وسواس‌ها و حساسیت‌هایی که دارم اصلاً در توان من نیست در زیارت اربعین شرکت کنم اما لذت روزگار طور دیگری رقم زد؛ سال ۹۵ با یک تیم رسانه‌ای میهمان عتبه عباسیه شدیم. عتبه عباسیه چند تیم مختلف رسانه‌ای را از کشورهای مختلفی مثل آمریکا، ترکیه و لبنان برای سفر اربعین در عراق میزبانی می‌کرد که تیم رسانه‌ای ما هم جزو این گروه بود. ما ابتدا به جمکران رفتیم و بعد از زیارت حضرت معصومه و آن از ایشان، راهی عراق شدیم. میزبانی عتبه عباسیه آنقدر همه چیز تمام بود که من در دلم می‌گفتم حضرت عباس که می‌دانست چقدر این سفر برای من سخت است، همه چیز را مهیا کرد تا تیراقتی این سفر را تجربه کنم. البته نه اینکه سختی نباشد، چرا! سفر سختی‌هایی هم داشت اما بالاخره قدری راحت‌تر بودیم. نخستین باری که اربعین را تجربه کردم با خودم گفتم دیگر از این به بعد هر طور شده خودم را به زیارت اربعین خواهیم رساند. منی که تا قبلش می‌گفتم امکان ندارد بتوانم در سفر اربعین شرکت کنم، به جایی رسیده بودم که می‌گفتم هر طور شده باید هر سال تجربه سفر اربعینم تکرار شود. همین تجربه اول کافی بود که دیگر نمک‌گیر و دلداه سفر اربعین شدم.

پیامبر به مدینه، مبدأ تاریخ اسلام شد، گویی سفر اربعین مبدأ اتفاقات بزرگ زندگی من شد. تمام نقطه‌های عطف زندگی من در این سفر رقم خورده است. هنوز نمی‌دانم جای خالی این شارژ یک‌ساله را چگونه و با چه چیز پر کنم؟ اما به هر حال امیدوارم هر چه سریع‌تر دوران پایان این فراق از راه برسد.

■ هر قدم به یاد شهدای مدافع حرم این نکته را هم اضافه کنم در تمام سفرهایی که ایام اربعین به کربلا داشتیم، در هر قدمی شهید جلوی چشمم بودند و سعی می‌کردم هر قدم را هدیه به شهدا بدهم. می‌گویند مؤمن باید زیرک باشد و مراقب هر حرف و قدمش باشد. سعی می‌کردم حواسم به قدم‌هایم باشد، اینکه هر قدم چه ارزشی دارد و کجا هستم؟ همین هم بود که قدم‌هایم را تقدیم می‌کردم به همه شهدا. عموی خود من در فلو شهید شد، شهدای دیگری که از دفاع مقدس و مدافعان حرم در ذهنم حک شده‌اند، می‌دانم که همگی آنها مشتاق زیارت کربلا بودند، اگر چه سبب جمعهمه در عالم برزخ میهمان سیدالشهدا هستند اما می‌دانم که چقدر دوست داشتند که زنده باشند و به این زیارت بیایند. در مسیر جاده نجف تا کربلا روی هر عمود، عکس یکی از شهدا را زده‌اند که تصویر شهدای ایرانی هم در بین آنان هست، خب! می‌دانید که چندین تن از شهدای ما در همین دوران دفاع از حرم سامرا در خود عراق شهید شدند. درست است که همین تصویرها شهدا را برای زوار یادآوری می‌کند اما من به صورت شخصی هم این یاد را مدام داشتم. یاد شهید حججی عزیز که روح او مثل یک برادر، چه برادری‌هایی در حق من کرده است. می‌شناختم و ارتباط داشتم تماس بگیرم و حلاوت طلبم و گاهی هم توفیق می‌شد که در جریان سفر در خود عراق توفیق دیدار این بزرگواران نصیب من می‌شد. به هر حال سفر اربعین من، عجبین شده با یاد شهدا.